



مر نضی مجدفر
دکترای تخصصی مدیریت آموزشی

چگونه از برنامه‌های درسی

مروری بر وظایف مدیران و تیم مدیریتی
هنرستان‌ها و مدارس کاردانش در مراقبت از
اجرای بهینه برنامه‌های درسی قصد شده

صیانت کنیم

فنی و حرفه‌ای و کاردانش فراهم کرده‌ایم. این فهرست می‌تواند برای همه برنامه‌های درسی آموزشگاه مورد استفاده قرار گیرد، ولی ما در اینجا، آن را صرفاً با نگاه برنامه‌های درسی مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش مورد توجه قرار می‌دهیم.

این مجموعه پرسش‌ها صرفاً نکاتی برای یادآوری هستند و از وزن‌گذاری و ارزش‌دهی امتیازی به آن‌ها خودداری کرده‌ایم. لذا صرفاً با شمارش پاسخ‌های مثبت و منفی، نمی‌توان به درستی از میزان کیفیت بودن اجرای برنامه‌های درسی توسط هنرآموزان ابراز اطمینان کرد. انتظار می‌رود مدیران و تیم مدیریتی مدارس، هنگام مواجهه با پرسش‌ها، اگر پاسخشان منفی است یا در مورد صحت یک گزاره تردید دارند، به سادگی از کنار آن نگذرند و با تعامل و گفت‌وگو در صدد تبدیل پاسخ از منفی به مثبت باشند.

این فهرست و آرسی می‌تواند مکمل پرسش‌نامه‌های دیگری شود که در مباحث دیگری شود که در مباحث مربوط به «مدرسه‌کاوی» مطرح هستند!

چکیده

بر اساس تعاریف جدید، مدیر آموزشی آموزشگاه و تیم مدیریتی همراه وی، نظارت‌کننده بر حسن اجرای برنامه‌های درسی توسط هنرآموزان و دیگر آموزشکاران در آموزشگاه، و صیانت‌کننده و ضامن کیفیت برنامه‌ها در عمل هستند. طبق این تعریف، مدیر باید فهرست‌های و آرسی (چک‌لیست‌ها) لازم و چارچوبی در اختیار داشته باشد تا بتواند بر اجرای با کیفیت و به دور از زوال برنامه‌های درسی در آموزشگاه، نظارت جامع اعمال کند. البته بدیهی است که قبل از ورود به فهرست‌های و آرسی و اعمال نظارت، دارا بودن دانش حداقلی و شناخت اجمالی از چیستی و چرایی کاری که مدیر عهده‌دار آن خواهد شد، ضروری است.

آنچه در این مقاله تحلیلی ملاحظه خواهید کرد، یک فهرست و آرسی است که برای نظارت کیفی بر اجرای برنامه‌های قصدشده بر اساس عناصر نه گانه برنامه درسی کلاین و برای مدیران و تیم مدیریتی مدارس

عناصر نه‌گانه برنامه درسی کلاین

مجموعه پرسش‌های این مجموعه با استفاده از عناصر نه‌گانه برنامه درسی کلاین و یک عنصر الحاقی به آن تدوین شده است:

۱. اهداف / ۲. محتوا / ۳. راهبردهای یاددهی - یادگیری و فرایند تدریس / ۴. مواد و منابع آموزشی / ۵. فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان / ۶. زمان آموزش / ۷. فضای آموزشی / ۸. گروه‌بندی دانش‌آموزان / ۹. ارزشیابی دانش‌آموزان و در نهایت بازخورد.

اهداف

۱. آیا هدف‌های هر برنامه درسی در آموزشگاه براساس تجارب قبلی دانش‌آموزان تدوین شده است؟
۲. آیا در تدوین هدف‌های این برنامه درسی، به نیازهای دانش‌آموزان توجه شده است؟
۳. آیا هدف‌های این برنامه درسی، نیازهای جامعه و بازار کار را مدنظر قرار داده‌اند؟
۴. آیا مهارت‌ها و توانایی‌های ضروری فراگیرندگان، برای عملکرد مؤثر در جامعه، در تدوین هدف‌ها لحاظ شده است؟
۵. آیا هدف‌های آموزشی این برنامه درسی، نسبت به انواع مشابهش در سال‌های گذشته تغییر یافته است؟
۶. آیا فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های سریع و تغییرات فناورانه در تدوین هدف‌های این برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته‌اند؟
۷. آیا فلسفه حکومتی جامعه به‌طور معقول و بدون زیاده‌روی در تدوین هدف‌ها مورد توجه بوده است؟
۸. در صورتی که آداب و رسوم جامعه در تدوین هدف‌های این برنامه درسی جایگاهی دارد، آیا مورد توجه قرار گرفته است؟
۹. آیا هدف‌های این برنامه درسی را می‌توان به‌صورت رفتار مشاهده‌پذیر نزد فراگیرندگان ملاحظه کرد؟ (غیر رفتاری بودن و قابل تفسیر نبودن هدف‌ها)
۱۰. آیا هدف‌های برنامه درسی از روی متن برنامه (یا کتاب درسی) یا از سایت و منبع معتبر و رسمی دیگر، قابل شناسایی، احصا و حتی شمارش است؟
۱۱. آیا هدف‌های کلی برنامه درسی، قابل تبدیل به هدف‌های جزئی‌تر و هدف‌های تدریس هستند؟
۱۲. آیا هدف‌های برنامه درسی می‌تواند برای آموزشگاه‌های معین، شهر، اقلیم، منطقه و استان خاصی قابل تفسیر و تعمیم باشد؟ (قابلیت یکسان

نبودن هدف‌ها برای کل کشور)

۱۳. آیا هدف‌های برنامه درسی قابل تفکیک به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی هستند؟
۱۴. آیا هدف‌های برنامه درسی طوری در نظر گرفته شده‌اند که علاقه و گرایش فراگیرندگان به یادگیری را در پی داشته باشند؟
۱۵. آیا هدف‌های برنامه درسی، روش تدریس، مواد و رسانه‌های مناسب برای تدریس و شیوه‌های ارزشیابی و آزمون‌سازی مستفاد می‌شوند؟
۱۶. آیا هدف‌ها در حد هدف‌های رفتاری و مبتنی بر رفتارگرایی طرح شده‌اند یا مبتنی بر نتایج بیانگر هستند؟ (نتایج بیانگر، توسط آیزنر، به جای هدف استفاده شده است. نتایج در اصل چیزهایی هستند که شخص پس از درگیر شدن با فعالیت - با قصد یا بدون قصد - به آن‌ها می‌رسد.
۱۷. آیا محل تحقق هدف‌ها، فضای داخل آموزشگاه است یا به فضاهای بیرون از آموزشگاه و اجتماع نیز نیاز است؟
۱۸. آیا هدف‌ها گذشته‌گرا هستند، یا حال‌گرا یا آینده‌گرا؟ (بسته به ماهیت برنامه و در صورت مثبت و مرتبط بودن پاسخ، فزاینده‌گرا، کنار گذاشته می‌شوند.)
۱۹. آیا تحقق هدف‌ها به تجربه، آزمایش، مشاهده، پژوهشگری و انجام کار پروژه‌ای، گردش علمی و ... نیاز دارد؟
۲۰. آیا هنرآموزان مجری هدف‌های برنامه درسی، به راحتی با هدف‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟

محتوا

۱. آیا محتوای متمرکز ابلاغ شده و محتواهای انتخاب شده توسط آموزشگاه می‌تواند هدف‌های پیش‌بینی‌شده هر کدام از برنامه‌های درسی در آموزشگاه را تحقق ببخشد؟
۲. آیا در محتوا، به دانش‌ها، مهارت‌ها، فرایندها و ارزش‌ها به‌صورت متعادل توجه شده است؟
۳. آیا با توجه به ماهیت اهداف و نوع برنامه درسی، محتوا مبتنی بر انتقال میراث فرهنگی و آداب و رسوم است یا مبتنی بر حل مسائلی آنی و آتی فراگیرندگان، یا مبتنی بر تغییر؟ (زمینه‌سازی تغییرات اجتماعی برای ساختن یک جامعه بهتر.)
۴. آیا محتوای متمرکز یا محتواهای انتخابی با ویژگی‌ها و نیازهای یادگیرندگان تناسب دارد؟ (تناسب با توانایی‌ها و استعدادها یا یادگیرندگان

و تناسب با نیازها، رغبت‌ها و زندگی واقعی دانش‌آموزان.)

۵. آیا سازمان داخلی محتوا از نظر کمی و کیفی تعادل دارد؟ (از لحاظ کمی، اندازه هر بخش از محتوا در ارتباط با کل آن دارای اهمیت است و از لحاظ کیفی، مواردی نظیر هم‌گرایی بین انواع متفاوت محتوا و ارتباط بین نظریه‌ها و نمونه‌ها.)

۶. آیا نوعی وفاق میان مفاهیم و مضامین محتوا و کاهش تناقض در میان آن‌ها وجود دارد؟ (ارتباط عمودی و افقی برنامه‌ها و محتواها.)

۷. آیا در تدوین محتوا روش‌شناسی، (متدولوژی) دانش نظری برای برنامه‌دستی که محتوا براساس آن شکل گرفته، رعایت شده است؟

۸. آیا با وجود محتوای متمرکز ارائه شده در چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، هنوز هنرآموز یا دپارتمان علمی هر یک از برنامه‌های درسی آموزشگاه برای وجود محتوای تکمیلی اصرار دارند؟

۹. آیا محتواهای تکمیلی هر یک از برنامه‌های درسی، هنرآموز ساخته است؟ در صورت پاسخ مثبت، آیا این محتواها مورد تأیید فرد یا نهادی قرار گرفته است و اعتباربخشی شده‌اند؟ (در صورت پاسخ منفی، پرسش ۱۰ پاسخ داده شود.)

۱۰. آیا محتواهای تکمیلی، تولید مؤسسات مراکز آموزشی پشتیبان یادگیری آموزشگاهی، نهادهای انتشاراتی یا مراکز یادگیری علمی هستند؟ در صورت پاسخ مثبت، این محتوا دارای استاندارد و تأییدیه معتبر است؟

راهبردهای یاددهی - یادگیری (آموزش / روش تدریس)

۱. آیا نقش هنرآموز در یادگیری محتواهای مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی، تسهیل‌کنندگی و توانمندسازی هنرآموزان است؟

۲. آیا هنرآموز بسته به چگونگی محتواهای مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی، می‌تواند از راهبردهای یاددهی - یادگیری متنوع و گسترده استفاده کند و استفاده می‌کند؟

۳. آیا روش‌های به کار گرفته شده، به کشف حقایق، مفاهیم و نتیجه‌گیری در فراگیرندگان منجر می‌شود؟

۴. آیا هنرآموز در حین تدریس و ارتباط با دانش‌آموزان، پرسش‌های هدایتگر، متوالی و تعاملی مطرح می‌کند؟

۵. آیا هنرآموز از روش‌های ایجاد توجه و انگیزه به‌خوبی استفاده می‌کند؟

۶. اگر احیاناً در حین تدریس، هنرآموز توجه دانش‌آموز با همه دانش‌آموزان را به هم زده باشد، آیا برای جلب توجه مجدد آن‌ها کار خاصی انجام می‌دهد؟ آیا این تلاش‌ها مؤثرند؟

۷. آیا هنرآموز طرح‌درس سالانه و طرح‌درس‌های اختصاصی برای هر یک از جلسات تدریس مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی را داراست؟

۸. آیا هنرآموز درباره هدف خود از تدریس، با زبان و ادبیات مورد توجه فراگیرندگان با آن‌ها وارد گفت‌وگو می‌شود؟

۹. آیا هنرآموز گام‌های اجرایی راهبردهای یاددهی - یادگیری مورد استفاده خود را به‌خوبی می‌شناسد؟

۱۰. آیا هنرآموز بر هدف‌ها و محتوای برنامه درسی خواندن تسلط علمی دارد؟

۱۱. آیا هنرآموز از کیفیت صدا، شیوه بیان و حرکات بدن مناسبی برخوردار است؟

۱۲. آیا هنرآموز از پایان مناسبی در تدریس خود برخوردار است؟

۱۳. آیا هنرآموز سعی می‌کند تکالیفی برای دانش‌آموزان خود طراحی و اعلام کند که صرفاً به تکرار و تمرین منجر نشود و موجبات غنی‌سازی یادگیری را فراهم آورد؟

۱۴. آیا از تدریس هنرآموز، حساس بودن وی به کنش و واکنش‌های کلاس درس و دانش‌آموزان قابل درک است؟ (توجه نشان دادن به مشکلات و دشواری‌های شخصی دانش‌آموزان، احترام به تفاوت‌های فردی، احترام به فرهنگ و پیشینه فرهنگی، پرهیز از تهدید و فراهم‌آوری محیط یادگیری مناسب.)

۱۵. آیا از تدریس هنرآموز و نیز فعالیت‌های بعد از کلاس وی، کمک به دانش‌آموزان خاص و حل مشکلات تحصیلی آن‌ها (کوشش برای شخصی‌سازی یادگیری) قابل درک است؟

۱۶. آیا رفتار و منش هنرآموز می‌تواند در زمینه پرورش اخلاقی فراگیرندگان مورد توجه قرار گیرد؟ (بیان نکات اخلاقی حین تدریس و عمل به آن‌ها، نشان دادن اعتمادبه‌نفس، و رعایت نظم و حضور حرفه‌ای.)

۱۷. آیا هنرآموز از تدریس‌های خود، خودارزیابی به عمل می‌آورد و اسناد مربوط به این خودارزیابی را نزد خود نگه می‌دارد؟

۱۸. آیا هنرآموز اجازه می‌دهد کلاس او توسط

**ارتباط مستقیم
یا ضمنی اهداف،
آزادی عمل در
انتخاب، توجه به
تجربه‌های زیسته
هنرجویان، توجه
به عوامل محیطی،
خلق موقعیت‌های
مناسب، جایگاه
مناسب برای
اجرای پروژه‌های
هنرجویان از
ویژگی‌های
فعالیت‌های
یادگیری است**

۷. آیا از تخته آموزشی موجود در کلاس (تخته سنتی، وایت برد یا تخته هوشمند) به مثابه منبع آموزشی همیشه در دسترس، استفاده مطلوب و نظام‌دار به عمل می‌آید؟

۸. آیا هنرآموز در ابتدای سال تحصیلی، فهرستی از مواد و منابع آموزشی اصلی مورد استفاده خود تهیه می‌کند و آن را در اختیار مدیر و تیم مدیریتی آموزشگاه قرار می‌دهد؟

۹. آیا هنرآموز از فناوری‌های نوین یاددهی-یادگیری در کلاس درس، بیرون از آموزشگاه و نیز برای ارتباط با هنرجویان آگاه است و از آن بهره می‌برد؟

۱۰. آیا هنرآموز در هر سال تحصیلی، حداقل ۱۰ عنوان کتاب (سه کتاب در حوزه تخصصی برنامه‌های درسی مربوطه، سه کتاب در حوزه روش‌های تدریس عمومی و اختصاصی، ارزشیابی، مدیریت کلاس درس و حرفه‌ای‌گری معلمی، دو کتاب در حوزه فناوری‌های تدریس و اطلاعات، دو کتاب در حوزه فرهنگ، ادبیات و هنر کشورمان) مطالعه می‌کند؟

فعالیت‌های یادگیری هنرجویان

۱. آیا بین فعالیت‌های یادگیری هنرجویان، اهداف، محتوا و جهت‌گیری‌های مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی، ارتباط مستقیم یا ضمنی وجود دارد؟

۲. آیا هنرجویان با معلم خود در یادگیری، همکاری گسترده دارند یا همه چیز توسط معلم فراهم می‌شود؟

۳. آیا در فعالیت‌های یادگیری هنرجویان در زمینه هر یک از برنامه‌های درسی، به تجربه‌های زیسته آنان بها داده می‌شود؟

۴. آیا هنرجویان در انتخاب برخی از فعالیت‌ها و تمرینات خود آزادی عمل دارند و هنرآموز آن‌ها را در انتخاب فعالیت مورد مشورت قرار می‌دهد؟

۵. آیا در فعالیت‌های یادگیری فراگیرندگان، پرورش هوش و استعداد‌های متنوع آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد؟

همتایان و افراد خارج از آموزشگاه (همتاسنجی و دگرسنجی) مورد ارزیابی قرار گیرد؟

۱۹. آیا هنرآموز در فرایندهای بهسازی تدریس (مانند درس‌کاوی، درس‌پژوهی، بهبود مستمر، اقدام‌پژوهی و ...) شرکت می‌کند و به این فعالیت‌ها علاقه دارد؟

۲۰. آیا هنرآموز کارپوشه شخصی منسجمی در مورد روش‌های تدریس و آموزش (و البته دیگر بخش‌های وابسته تدریس، مانند ارزشیابی) دارد و اجزای آن قابل مشاهده و تحلیل است؟

مواد و منابع آموزشی

۱. آیا علاوه بر کتاب درسی، مواد و منابع آموزشی دیگری نیز، متن مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی آموزشگاه را حمایت می‌کنند و این مجموعه در چارچوب بسته آموزشی ارائه شده است؟

۲. آیا معلم در کمد کلاسی یا اختصاصی خود، بسته آموزشی برنامه درسی مذکور و نیز مجموعه‌ای از مواد و منابع آموزشی مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی را داراست که در صورت نیاز از آن‌ها استفاده کند؟

۳. آیا معلم بجا و به‌موقع از منابع و خواندنی‌های آموزشی مناسب دیگر استفاده می‌کند؟

۴. آیا کتاب درسی در مقام یکی از اصلی‌ترین مواد برنامه درسی، از جایگاه مناسبی در تدریس برخوردار است؟ آیا مراجعه به منابع و متن دروس، خواندن و شرح درس و گفت‌وگو در مورد عکس‌ها نکته‌های کتاب درسی، صورت می‌پذیرد؟

۵. آیا مواد و منابع آموزشی مناسبی که به نوعی می‌توانند در دست‌ورزی هنرجویان مورد استفاده واقع شوند، توسط معلم طراحی و در کلاس به کار گرفته شده‌اند؟

۶. آیا از نمودارهای مفهومی، نقشه‌ها، چارت‌ها، تایم‌لاین‌ها و دیگر طرح‌های مفهوم‌نمای خطی و گرافیکی، به مثابه مواد و منابع آموزشی سهل‌الوصول استفاده می‌شود؟



مدیر باید فهرست‌های وارسی (چک لیست‌ها) لازم و چارچوبی در اختیار داشته باشد تا بتواند بر اجرای با کیفیت و به دور از زوال برنامه‌های درسی در آموزشگاه، نظارت جامع اعمال کند

۶. آیا هنرآموز برای انجام بهتر فعالیت‌های یادگیری هنرجویان، عوامل محیطی مزاحم یادگیری، مانند دما، چینش کلاس، صدای خارج از کلاس، نور کلاس، فناوری‌های موجود در کلاس، و زمان برگزاری کلاس را به خوبی می‌شناسد و آن‌ها را بهینه کرده است؟

۷. آیا هنرآموز با استمرار ارتباط خود با هنرجویان در جریان یاددهی - یادگیری در کلاس درس و بیرون از آن، فعالیت‌های یادگیری آنان را در جهت مثبت کنترل و از انگیزاننده‌های درونی مناسب استفاده می‌کند؟

۸. آیا در اکثر جلسات، هنرآموز موقعیت‌های مناسبی را برای کشف اصول و قواعد توسط هنرجویان فراهم می‌کند؟ (تولید دانش توسط فراگیرندگان).

۹. آیا در فعالیت‌های یادگیری هنرجویان در ساعات درسی خواندن، هنرآموز فرصت‌هایی را برای اندیشیدن و سکوت فراهم می‌آورد؟

۱۰. آیا هنرآموز فعالیت‌هایی را به منظور ایجاد ارتباط بین هر یک از برنامه‌های درسی با سایر برنامه‌ها برای انجام توسط هنرجویان طراحی و اعلام می‌کند؟

۱۱. آیا در فعالیت‌های یادگیری هنرجویان، فرصت‌هایی برای شناسایی کاربردهای آنی و آتی آموخته‌های جدید ایجاد و برای اجرا به آنان ابلاغ می‌شود؟

۱۲. آیا در فعالیت‌های یادگیری هنرجویان، برای پروژه‌های آنان جایگاه مناسبی در نظر گرفته شده است؟

زمان آموزش

۱. آیا از زمان رسمی مصوب برای تدریس برنامه درسی به نحو مطلوب و کامل استفاده می‌شود؟

۲. آیا هر یک از برنامه‌های درسی فقط به زمان رسمی آموزش محدود است یا فرصت‌هایی برای یادگیری خارج از زمان رسمی آموزش (تمرین و تکرار یا کارهای جدیدی مانند استفاده از منابع اطلاعاتی نوین در یادگیری معکوس) در نظر گرفته می‌شود؟

۳. آیا هنرآموز از زمان‌های خارج از دسترس برنامه رسمی خود خبر دارد؟ (مانند تعطیلات رسمی تقویمی، زمان‌های برگزاری شوراها، معلمان و سایر نشست‌ها و آیین‌هایی که به نوعی زمان در اختیار معلم را کاهش می‌دهند).

۴. آیا هنرآموز زمان در دسترس خود را براساس بلوک‌های یادگیری مبتنی بر هدف‌ها، محتوا و

محتوای تکمیلی مصرف می‌کند؟ (نوعی توجه به بودجه‌بندی زمانی تدریس).

۵. آیا زمان آموزش، به صورت نسبتاً مساوی بین معلم و فراگیرندگان تقسیم می‌شود؟ (برای مثال در یک زنگ ۹۰ دقیقه‌ای، حدود ۴۵ دقیقه سهم هنرجویان و ۴۵ دقیقه سهم معلم است).

۶. آیا تأخیرها، غیبت‌های روزانه، مستمر و نیز غیبت‌های مربوط به یک بازه زمانی خاص فراگیرندگان توسط هنرآموز مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد؟

۷. آیا هنرآموز به تأخیر ورود به آموزشگاه و کلاس، تعجیل خروج از کلاس و آموزشگاه، و نیز غیبت‌های خود حساس است؟ (توجه به بعد اداری فعالیت معلم).

۸. آیا هنرآموز برای تأخیرها و کاهش زمان‌های تدریس ناشی از تعطیلات رسمی تقویمی و نیز تأخیر و غیبت خود و هنرجویان، کلاس جبرانی عمومی برگزار می‌کند؟

۹. آیا هنرآموز برای هنرجویانی که به دلایل گوناگون، زمان رسمی آموزش را از دست داده‌اند، کلاس جبرانی اختصاصی برگزار می‌کند؟

۱۰. آیا به طور توأمان توسط مدیر و تیم مدیریتی آموزشگاه و هنرآموزان هر یک از درس‌ها، گزارش‌هایی از رابطه تحلیلی بین زمان‌های در اختیار هر یک از دروس و میزان توفیق کمی و کیفی هنرجویان تهیه می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

فضای آموزشی

۱. آیا برای آموزش محتوای مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی براساس هدف‌های تعیین شده، علاوه بر فضای رسمی کلاس، فضاهای یادگیری دیگر آموزشگاه، مانند کتابخانه، مرکز سمعی و بصری، اتاق هنر، آزمایشگاه، مرکز یادگیری درون آموزشگاهی و ... مهیا هستند؟

۲. آیا آموزشگاه فضاهای یادگیری پیش‌بینی شده در برنامه درسی (و کتاب درسی) را داراست؟ در صورت منفی بودن پاسخ، این نقص در تحقق اهداف برنامه درسی چگونه رفع می‌شود؟

۳. آیا در ابتدای هر سال تحصیلی، فضاهای آموزشی پیرامونی (خارج از آموزشگاه) مورد نیاز هر یک از برنامه‌های درسی، توسط هنرآموز و به کمک مدیر و تیم مدیریتی آموزشگاه پیش‌بینی می‌شود و در طرح درس سالانه مدنظر قرار می‌گیرد؟

۴. آیا فضای کلاسی در دسترس، مناسب یادگیری

دسته‌جمعی و نیز یادگیری مبتنی بر تشکیل گروه و فعالیت کارگاهی است؟

۵. آیا امکان استفاده از کلاس‌های «موضوع‌محور» برای تحقق اهداف مرتبط با هر یک از برنامه‌های درسی وجود دارد و هنرآموز مربوطه، علاقه و انگیزه کافی برای حضور در این نوع کلاس‌ها را دارد؟

گروه‌بندی هنرجویان

۱. آیا از گروه‌بندی هنرجویان به فراخور محتوا و موقعیت‌های گوناگون یادگیری استفاده می‌شود؟

۲. آیا گروه‌ها کوچک و هم‌یار هستند و وجودشان لازم و ضروری است؟

۳. آیا معلم تلاش می‌کند از گروه‌بندی هنرجویان برای توسعه ارتباطات انسانی، تشویق توأمان موفقیت‌های فردی و گروهی، احساس موفقیت از یادگیری و احترام به دیگران بهره‌بردارد؟

۴. آیا از گروه‌های هنرجویی برای یاری رساندن اعضای گروه به یکدیگر هم استفاده می‌شود؟ (آموزش کودک به کودک یا به اصطلاح آموزش نوجوان به نوجوان).

۵. آیا منطق تشکیل گروه‌ها از تقسیم‌بندی هنرجویان براساس میزان آموخته‌هایشان و اینکه منطقاً آمادگی یادگیری چه مطالب جدیدی را دارند، تبعیت می‌کند؟

۶. آیا گروه‌های هنرجویی تا آخر سال تحصیلی یکسان باقی می‌مانند یا یک هنرجو، تنها تا زمانی در گروه باقی می‌ماند که آمادگی‌های لازم برای آموختن سایر موارد را کسب کند؟

۷. آیا گروه‌ها همگن هستند؟ (وجود تناسب در سرعت و کیفیت‌های گوناگون یادگیری هنرجویان عضو یک گروه).

۸. آیا ساختار گروه‌ها انعطاف‌پذیر، کوتاه‌مدت، طبیعی و درون‌زا است؟

۹. آیا گروه‌ها در اداره کلاس و فعالیت‌های یادگیری هنرجویان مشارکت دارند یا جنبه صوری آن‌ها بیشتر است؟

۱۰. آیا هنرآموز از فعالیت‌های گروهی کلاس درس خود، گزارش‌های دوره‌ای و منسجم تهیه می‌کند و مورد استفاده قرار می‌دهد؟ (و نیز در کارپوشه خود نگهداری می‌کند؟/ بند ۲۰ روش تدریس).

ارزشیابی هنرجویان

۱. آیا هنرآموز از ارزشیابی گوناگون آغازین و

تشخیصی، تکوینی و پایانی برای طبقه‌بندی، تعیین سطح پیشرفت و کمک به پیشرفت و راهنمایی هنرجویان استفاده می‌کند؟

۲. آیا هنرآموزان از ارزشیابی برای شناخت نقاط ضعف و جبران با اصلاح اشتباه‌ها استفاده می‌کنند؟

۳. آیا هنرآموزان از ارزشیابی برای گرفتن بازخورد از روش‌های یاددهی - یادگیری خود استفاده می‌کنند؟

۴. آیا از ارزشیابی به‌منظور دادن انگیزه و ایجاد تنوع و نوآوری در نحوه یادگیری و جهت‌دادن به تدریس استفاده می‌شود؟

۵. آیا یکی از هدف‌های ارزشیابی، سرعت بخشیدن به یادگیری و تسهیل آن است؟

۶. آیا فراگیرندگان در انجام ارزشیابی‌ها همکاری و دخالت دارند؟

۷. آیا از ارزشیابی‌ها برای بالا بردن سطح مهارت‌های یادگیری هنرجویان استفاده می‌شود.

۸. آیا از سبک‌های گوناگون ارزشیابی برای احترام گذاشتن به سبک‌های مختلف یادگیری هنرجویان به فراخور استفاده به عمل می‌آید؟ (آزمون‌های «چند گزینه‌ای» برای هنرجویان دارای سبک تفکر اجرایی و محافظه‌کار، در مقابل آزمون‌های «عملکردی» برای هنرجویان دارای سبک تفکر قانون‌گذار).

۹. آیا هنرآموز به ارزشیابی نگاه تکوینی و فرایندی دارد یا نگاه نقطه‌ای و پایانی؟

۱۰. آیا ارزشیابی فقط شامل انواع امتحانات است یا از فعالیت‌های دیگر، از جمله پژوهش‌های هنرجویی، گزارش کار، تکمیل پوشه کار، مشاهده رفتارهای هنرجویان طی دوره و ... هم استفاده می‌شود؟^۲

اختتام: بازخورد و دوباره بازگشت به اول خط

بعد از اتمام این نظارت مبتنی بر پرسش‌های طراحی شده براساس عناصر نه‌گانه برنامه درسی کلاین، فرایند «بازخورد» آغاز می‌شود. براساس تحلیلی که مدیر و تیم مدیریتی آموزشگاه با همراهی هر یک از هنرآموزان مجری هر یک از برنامه‌های درسی در آموزشگاه به عمل می‌آورند، تغییرات لازم را در هر یک از عناصر اعمال می‌کنند و برای بهبود کیفیت آموزشی، به‌طور مرتب و سالانه، این چرخه را ادامه می‌دهند. در غیر این صورت به مرور شاهد زوال هر یک از برنامه‌های درسی و توقف کامل آن در تحقق اهداف خواهیم بود.

* پی‌نوشت‌ها

۱. برای آشنایی با پرسش‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل مدرسه یا مدرسه‌کاوی نگاه کنید به اصلاهی، ابراهیم (۱۳۹۷). مدرسه‌کاوی برای مدیران مدرسه‌ها. پیشگامان پژوهش‌مدار. تهران.

۲. این پرسش‌نامه یک کار میدانی و مبتنی بر تلفیق توانان علم و تجربه است که نگارنده پس از سال‌ها حضور در مدارس فراوان و کار عملی با آموزشکاران و مدیران متعدد، و با بهره‌گیری از آموزه‌های علم برنامه‌ریزی درسی تدوین کرده است. همچنین از دو منبع زیر به‌طور اجمالی بهره برده است:

3. Klein, M.F. Curriculum Design. International Encyclopedia of Education: Curriculum Studies. Volume II. Husen, T. and Postlethwaite editors, Pergamon press: Oxford England, 1985, pp. 1163_ 1170.

4. Klein, M.f © 1981 © A Conceptual Framework For Curriculum Decision Making. In The Politics Of Curriculum Decision Making M.f Klein (Ed)